

دم از دها از نکات جالب توجه این فیلم می‌توان به حضور محمد کارت (کارگردان شنای پروانه) بعنوان مشاور فیلمنامه و کارگردان و بازیگرانی کار اشاره کرد. سعید کشاورز تاکنون فیلم‌های کوتاه «مادر»، «یک سالگی» و مستندهای «زیر حکم»، «فوق مارتن» و «این مرد نیچه نیست» را کارگردانی کرده است.



عامه پسند فیلم سهیل بیرقی، با بازی فاطمه معتمدآریا، باران کوثری و هوتن شکیبا ترکیبی از ستاره‌های دهه‌های مختلف سینما و سومین اثر از سه‌گانه او در خصوص زنان در جامعه است. فیلمنامه «علمه پسند» همچون دو اثر قبلی بیرقی توسط خود او نوشته شده و فضای آن نسبت به فیلم‌های «من» و «عرق سرد» متفاوت است.



بهتاش صناعی‌ها؛ کارگردان فیلم سینمایی «قصیده گاو سفید»:

من خودسانسوری نمی‌کنم

«قصیده گاو سفید»، یکی از فیلم‌های سودای سیمیرغ امسال است که باتوجه به تیم سازنده‌اش در دسته کارهای هنری امسال قرار می‌گیرد. فیلمی به کارگردانی بهتاش صناعی‌ها که در کارنامه هنری‌اش حضور در جشنواره‌های داخلی و خارجی زیادی را تجربه کرده و با فیلم «احتمال باران اسیدی» در جشنواره سی و سوم فیلم فجر هم حضور موفق داشته است. صناعی‌ها فیلم جدیدش را با یک گروه ۳۵ نفره، پیش‌تولیدی دوماهه و در چهل جلسه فیلمبرداری تولید کرده است و البته پیش از اینکه به این مرحله برسد، برای گرفتن پروانه ساخت، با چالش‌های زیادی مواجه شده است. در روزهایی که او در گیلو دار آماده‌سازی نهایی فیلمش برای حضور در جشنواره بود، با این کارگردان جوان در خصوص تازه‌ترین اثرش، گفت‌وگو کردیم.

قصه فیلم «قصیده گاو سفید» چیست؟

این فیلم با اثر قبلی من دغدغه‌های مشترکی دارد؛ قصه تنهایی آدم‌ها و پشتوانه بودن آن‌ها برای یکدیگر. با این تفاوت که این بار با یک درام پر تعلیق طرف هستیم که پیچیدگی‌های دراماتیک بیشتری نسبت به فیلم قبلی دارد. در این اثر سراغ موضوع حساس‌تر و متفاوت‌تری رفتیم و در درام آن کهن‌الگوهای عشق، مرگ، تقدیر و انتقام پررنگ هستند.

یکی از نکاتی که در آثار شما به چشم می‌خورد و برای خیلی‌ها از جمله خود من جالب است، انتخاب بازیگران فیلم‌های شماست. ترکیب بازیگران خیلی از کارگردان‌ها پر از اسم ستاره‌های سینماست، ولی حس می‌کنم شما سواستی دارید که چنین ترکیب بازیگرانی نداشته باشید؛ درست است؟

بله. البته من مشکلی با کار کردن با سلبریتی‌ها و سوپرستارها ندارم، ولی حقیقت امر این است که هر قصه‌ای انتخاب بازیگران متفاوت و مخصوص به خودش را ایجاب می‌کند. ممکن است روزی در یک فیلمنامه کاراکتری داشته باشیم که یک چهره شناخته شده هم بتواند آن را بازی کند، ولی اصولاً تمایلی من به سمت انتخاب غیر سوپرستارها هست؛ بازیگران خوبی که چهره‌های شناخته شده‌ای هم هستند ولی از شما سوپرستار نیستند، چهره‌هایشان بکرتر است و پیش زمینه کمتری در ذهن مخاطب ایجاد کرده‌اند؛ این موضوع باعث می‌شود مخاطب بدون پیش زمینه ذهنی باشخصیت مواجه شود و خودش تصویر ذهنی از آن کاراکتر بسازد. به همین دلیل همیشه برای من جذاب‌تر بوده که سراغ سوپرستارها نروم.

ساخت «قصیده گاو سفید»، چه چالش‌هایی برای شما داشت؟

شما بگویید چه چالش‌هایی داشتند؟

چطور؟

نسخه اول این فیلمنامه سال ۸۹ نوشته و قرار شد یک‌سال بعد از آن هم ساخته شود. اما الان ۸،۹ سال از آن زمان می‌گذرد و بزرگ‌ترین چالش پیدا کردن سرمایه برای فیلمنامه‌ای است که به نظر همه سرمایه‌گذاران، ساخته شدنش غیرممکن است. برای همین سال‌ها طول کشیده که ما سرمایه‌گذاران را قانع کنیم که می‌شود سراغ این موضوعات هم رفت. از طرف دیگر مشکلات ممیزی هم سر جای خودش بوده و این ماجرا در سال‌های اخیر برای گرفتن مجوز ساخت، زمان و انرژی زیادی از ما گرفته است تا بتوانیم مسئولین را قانع کنیم که این فیلم اثر آسیب‌زننده‌ای نیست. ما جلسات طولانی با توضیحاتی طولانی داشتیم تا بگوییم این فیلم اثری نیست که برای کسی، گروهی یا تفکری ضرری داشته باشد و خدا را شکر همه چیز به سرانجام رسید. ما توانستیم آدم‌های عاشق و همراهی را به عنوان سرمایه‌گذار کنارمان داشته باشیم و مجوزهای لازم برای ساخت کار را بگیریم.

باتوجه به نکات ممیزی که خودتان هم بر آن تاکید کردید، پیش آمده که خود سانسوری هم بکنید تا اگر قناری ممیزی و اصلاحیه نشود؟

من اصولاً خودسانسوری نمی‌کنم و اعتقادی به این اتفاق ندارم. در فیلم‌های قبلی‌ام هم (چه مستند و داستانی) این ماجرا مشخص است. خودسانسوری نمی‌کنم، چون هنرمند نباید این کار را بکند، اگر قرار است سانسوری اتفاق بیفتد، هنرمند نباید خودش دست به این کار بزند و لازم است صبر کند تا سانسور بشکند. بعد از این اتفاق هم باید یک چکمه پولادین داشته باشد که برای کارش بجنگد. چرا باید تسلیم شود؟ هنرمند باید تمام آن چیزی را که فکر می‌کند درست است در فیلمش قرار دهد و برای تک‌تک آن‌ها بجنگد، چون به هر حال ما سال‌هاست خط قرمزهای فرهنگ و سینمای ایران را می‌شناسیم و این خط قرمزها قاعده مشخصی ندارد و خیلی اوقات تغییر می‌کند. هر کسی بسته به میزان تاثیرگذاری‌اش، کارش و شخصیتش می‌تواند این خط قرمزها را تغییر دهد.

فکر نمی‌کنید این موارد کار را با چالش مواجه می‌کند؟

اینکه به سراغ موضوعاتی بروم که تا به حال در مملکت من در مورد آن‌ها کار نشده، همیشه برای من چالش بوده است. فکر می‌کنم هر دو فیلم قبلی‌ام، چه «احتمال باران اسیدی» و چه «دیلپلمسی شکستناپذیر آقای نادری» موضوعاتی داشتند که برای اولین بار در ایران راجع به آن‌ها فیلمی ساخته شده است. فیلم «قصیده گاو سفید» هم طبیعتاً از این موضوع تبعیت می‌کند و دلم می‌خواهد روی موضوعاتی کار کنم که به آن‌ها پرداخته نشده است.

با توجه به نکاتی که گفتید، چقدر از نسخه نهایی فیلم دقیقاً همان چیزی شد که از ابتدا به دنبالش بودید؟

بخش عمده‌ای از کار آن چیزی است که می‌خواستیم، ولی به هر حال در پرده‌های مختلف یک جاهایی مجبور بودم انعطاف به خرج بدهم که فیلم به مرحله ساخت و نمایش برسد و فکر می‌کنم تمام فیلمسازان ما در مراحل مختلف کاری‌شان مجبورند این انعطاف را داشته باشند. ولی در کل نتیجه کار تا حدود زیادی به چیزی که در ذهن داشتیم و فیلمنامه‌ای که با مریم مقدم داشتیم، نزدیک است.

شما تجربه‌های خوبی در جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی دارید و معمولاً فیلم‌هایتان با اقبال مواجه می‌شود. پیش‌بینی شما از این دوره چیست؟ فکر می‌کنید از «قصیده گاو سفید» هم استقبال می‌شود؟

راستش را بخواهید نمی‌دانم و خیلی هم به این موضوع فکر نمی‌کنم. این‌ها اینکده اصولاً بگویم جایزه براریم مهم نیست و... چون به نظرم این حرف خیلی بی‌ربطی است. هر هنرمند، پژوهشگر و دانشمندی که کاری انجام می‌دهد، دوست دارد تلاشی که می‌کند و زحمتی که می‌کشد دیده شود و من هم این موضوع براریم مهم است. دلم می‌خواهد مردم به سینما بیایند، فیلم را ببینند و آن تأثیری که می‌خواستیم با این فیلم و قصه روی مردم بگذارم، اتفاق بیفتد. برای همین از ابتدایه دنبال این بودم که فیلم‌ها و مستندهایم اول در کشور خودم نمایش داده شوند. به هر حال برنده شدن در جشنواره‌ها به سلیقه اعضای هیات داوران مربوط است و البته مصلحت‌هایی هم برای جایزه دادن وجود دارد و بر اساس



تمام این موارد خیلی امید می‌بخشد و خیلی به آن فکر نمی‌کنم. همین که این فیلم برای مردم پخش شود، برای من بهترین جایزه است.

فیلم رابه جشنواره‌های خارجی هم می‌فرستید؟

هنوز به این ماجرا فکر نکردیم، چون هدف اولمان این بود که فیلم رابه جشنواره فجر برسانیم، ولی طبیعتاً از آنجا به بعد به اقبال‌های بین‌المللی کار هم فکر می‌کنیم و می‌گذاریم فیلم شانسش را امتحان کند. پس بعد از جشنواره برای اکران‌های خارجی فیلم اقدام می‌کنیم.

از جشنواره که بگذردیم، به بحث اکران عمومی می‌رسیم. فکر می‌کنید مردم با فیلم جدیدتان ارتباطی گیرند؟

از نظر موضوعی، کشش و جذابیت سینمایی‌اشکی ندارم، ولی از آنجایی که مردم ما در این زمینه به شدت درگیر بازی‌های سوپرستاری هستند، این مساله مقداری آدم را نگران می‌کند که برای فیلمی که سوپرستار یا سلبریتی آنجلی ندارد، قرار است چه اتفاقی بیفتد؟ البته حسم بر این است که موضوع، ریتم، تعلیق و جذابیت‌های بصری فیلم می‌تولده هر نوع مخلطی (مخصوصاً مخاطب عام) را جذب کند. برای همین به فروش فیلم امیدوارم، ولی از اول هم در روند فیلمسازی‌ام فتح گیشه هدفم نبوده است و به دنبال ساختن فیلم‌های گیشه‌ای و شکستن رکوردهای همپایاری و ۱۰ میلیاردی و ۲۰ میلیاردی نیستم. فکر می‌کنم فیلم‌های من به مرور زمان جا می‌افتند و جایگاه خودشان را پیدا می‌کنند. این فروش‌های شوکه‌کننده چند هفته‌ای، بیشتر یک موج هستند که می‌آیند و می‌روند و هیچ‌کس با این فروش‌ها ملنگ‌گل نمی‌شود. ملنگ‌گاری یک اثر (به‌فقط در سینما که در کل آثار هنری) به‌مرور زمان ثابت می‌شود، به همین دلیل من هم فکر می‌کنم این فیلم هم مثل فیلم قبلی، حتماً به مرور زمان جایگاه خودش را پیدا خواهد کرد.

اینکه به سراغ موضوعاتی بروم که تا به حال در مملکت من در مورد آن‌ها کار نشده، همیشه برای من چالش بوده است و دلم می‌خواهد روی موضوعاتی کار کنم که به آن‌ها پرداخته نشده است.